

ماشوارا حماسہ مکروہ تاریخ

کسی که بینه زمامدار ستمگری حقوقی
الیمن و احکام مدنی نجاویز می‌کند و بینان خذارا
نمی‌شکند. و باست پیغامبر اصل مخالفت من
ورزیده باشدگار خدا بر اسلام ظلم و کنایه رفتار
هم کند و براین تغییر روش چشم زمامدار
مسئلگویی به شکنشار پی کردار افهام نکند پرخداوند
حق است گه او را به همین جائی ببرد که از
جهت این روش

و زیان انسان چه محضی می‌باشد از این برای
درستی و نیز تعلیم می‌تواند بسیار کند و چگونه می‌
تواند این کتاب و عامل نه این گفتار را
هر اموزش کند که اگر چهیں کند در واقع جراحت
هادایت خود را غاموش کرده است و مگر نه
این است که اعمال جایز و ستمگران از این
جهات جو بسیان شده توسط امام فراز نصی روید
پس شر هر تقاضه از جهان و با هر املاکی که شده
اسمه و می خواهد بشود فی الواقع گفتار امام
پیغمبرین الکر و نعمته می تواند فرار کند و بالآخر
از همه آنها ان عمل و گفتاری است که حتی راه
عمل و تاکتیک در عمل را پیدا کند اینجایی

الآخرون أن الحق لا يحتمل به وأن الباطل
لا يُنفيه لكنه لم يُثبت الموصى في لقاء الله محفاً قاتل
لأنه أدرك الموت الأمسّعده في الحياة مع الطالبين
الأخرين
الذين انتظروا أن يُخطبوا أممـا بعد أـن أمنـن عـمر سـعد
يـكـيلـا

ایسا سی جنید که به حق عمل نمی شود (که ا adam در وصیت نامه ای که به پرادرش می نویسد خود را توانه حق میدارد و هیگوید که من می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به روش حد و پدرم علی یعنی طالب بر وهم پس هر کسی که بتوان رسول حق به من روی آورده و پس خدمت این سزاوار به حق است و... در نتیجه وقتی هیگوید به حق عمل نمی شود یعنی ایشکه ولایت و حاکمیتی در جای اصلی خود فرار ندارد و این باطل است که داره حکومت من کند و از باطل خودداری نمی کند و پس نایسنه است که فرد با ایسان ملتفاصل حق هر مرگ و جای رسیدن به پیروزد گلار رفیعت کند جوا که به تحقیق من مرگ را حل سعادت نمی خدم و زندگی با استمکار ان را

جز ربع و ملايين جيزي سنه دام
و چهارها همان راه رسوب به حق و حقیقت را
با سوجه به این نکته که غریب با ایمان باید به طرف
جهاد

أي مخصوص أن مخصوصاً أنت مخصوصاً في زر حذفه بالضر

امام حسن (ع) خود را اینها
ظرفیت خود را باید در حوزه‌گرد و برائی
و سخنرانی بکار ببرید و شکل آن را می‌دانند

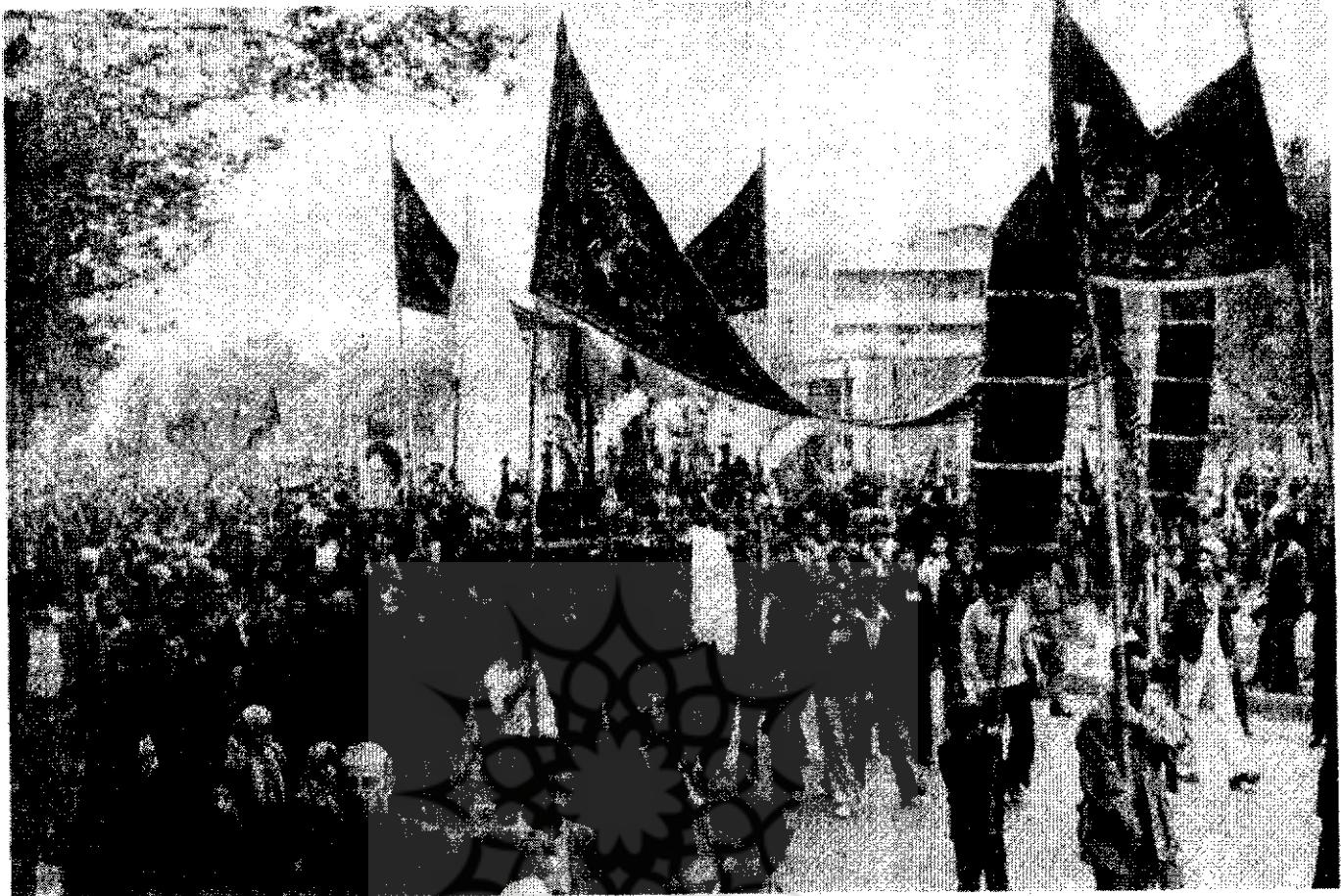


أبي ذئب الموت الأسود

وَكُلُّ مُحْمَدٍ مِنْ أَنْجَوْنَى وَهُوَ الْمُسْتَقْبَلُ

پنجه بگزینه می خوردند و می بینند که این زمین تا پایان ده
فلوپ مردگانی که نیز استادانی این مذاقون را در
اورده بودند و آنکه شنیدند که این دهانه هایی را باشند
که در حد ۱۳۵۰ متر از سطح زمین که در لارستان می خوردند
دانند و می بینند که هر سه تا از همین دهانه های
که از زیر پهنه تکرار خواهند و از تکرار این آبیه
برز گذشتند ها است که تو را نهاده خواهند داشتند و اگر
خط انسان و مانعیت از این سی دهانه های این
ماجرا پیشست بخواهد و از مردمی آن واقعیت این دهانه های را
عیان سازد و بخوبید که اسرور و امامزاده های که در رو
چه گفت و چه گویی مذکوره امداده شدند در این
تکرار عزاداری سرای حسن (ع) است که این
واقعه انجان و اشتعال و این شدید است که اینکه
هر همن زمان مارغ آنده است و حق این هم
بالاتر، جوا که حق و اعدام ای که در این زمان از
رش می دهد از این برای اینجا نهاده، صفت و معکوس

مسعود کے درست جھوڑا خلد جوڑ بروزگاری کو
انجمن باطل هارا لیاں حق میں پوشاند کہ حق
آرا از حق هم حق بر نهادن میختند و امداد
جاده حق یا گناہ کو هدمیل ترک در میعادت
مسحوم حق امیر و بعل امیر و امدادیت
روایت ناہم تو انسنت سالم بعدها هم بوجاد و
انجمن دلخیل که عین تجھے تعظیل زندگی و
ساعات مبارزہ امام حسین کلام اعاء در اخرين
لحظات زندگی مشخص و مذکوب در سیوسوس
مات و ایا میں خود سوالاتی کوئہ کچھ جواز بد
عواملی بائیت شد کہ ابی جعفر زندگی و قیام
امام درین هریم میں ایامیست و هر اشخاصی کاریخ
تو انسنت الدین سیوسوس ایک حمد و انش این فضیلت از
تاریخ پیدا نہیں بلکہ با احوال مبالغہ بصیرتی است جو
دلیلی برای تکرار ایک غریب هر سال وجود خاردار و
اصولاً جه احتیاجی یہ ان است کہ این جعفر نوحه
و زاری برای حسین (ع) گنجی و حرثاہی داشت
کہ باید گفت جو ای تمام ایها فکر نہیں کیک جملہ
خلاصہ می شود و ای مختاری خود بینیل امام
حسین (ع) نہ از زمان ابداند اما کوئی هر چیز
ان از زمانی میں ای ای ای ای ای ای ای ای ای
اسنالهای بوده و شمس کیه حق جواہست از
زیر بار ظلم در ستم حکمران و فرماد را باید از ای
مودت و احتیاج به معیان و افسوس برای صیاره
دشمن و در اینجاست کہ انکار ایام ای محبوب
حق ای ای



اراده در برایر آهن، شعار عاشوراست و علم دار این سپاه عظیم، سید و سالار مردم ماء سنت گذار حماسه جلوید کریلا، امام حسین (ع) آن شهید مظلوم است.

عملی آن خود و باران فداکاریش از در رون عاشورا و غرروزهای نیمگر و نهادند از شستادت طالع تارهای مبارزه و تا انتخاب پیشوای این علیالگو کوده است و نه همین دلیل است که هیچگوئی از انسانهای که برای حق و ایمان می‌کنند این کشته نمی‌توانند نشانار و انتقام امام را فراموش ننمایند و فر اینجا هرسال هر سال هر آنچه با عاشوره به یاد این حماسه سازان حق و حقیقت شرکت کنند هم کشته در فرشال باهر مبارزه ای از که هر فرد حق بتواند در راه خدا بر شعله باطل می‌کند تا در زیرگر از این تیام پوشکو را به منصه ظهور می‌رسانند و تا باطل وجود دارد حسین (ع) به عنوان الگو و اسوه مبارزه باقی می‌ماند و در تسبیحه عاشورای حسین (ع) هم در هر زمان بکار می‌بینود که کل يوم عاشورا و کل ارض کربلا و نازارهای که قابیلیان بر جهان حکمرانی می‌کنند خون حسین (ع) یعنوان ماده حیاتی خود را مستضعفین صالح جهان برای غلبه بر این حکماء جور و ستم جاری می‌شود و هر آن وقت عاشوراهای مبارز را بوجود می‌لورد که عاشورا مصلحت مکرر تاریخ است.

والسلام

۱۳

* حتى واقعه‌ای که در زمان مارخ می‌هد آذجان بر اثر تبلیغات صیغه معکوس مشود که درست چهره فسد خود را من گیرد اما این حادثه نکه که شهادت فرزند از این امت از این تاکون عظیمی را در فرهنگ این امت از این راه داشته، به امتن و به ا manus کسانی که از این دلایل اینها برای حق و حقیقت می‌طلبند، بیان می‌فرمایند و جون این راه و مسیر بیشترین وسیله نجات برای مستضعفین هست، و با فطرت اینها تیز سازگاری دارد به همین دلیل هیچگاه فراموش نشده و نسی شود و هر زمان پویایه کان این راه زیادتر می‌گردد.

و در این مسیر بازهم امام پیشتر راهنمایی می‌فرماید و حتی خصوصیات کسری را که هم می‌خواهد بر اینها رهبر و پیشوای گردد با گفتار خود بیان می‌فرماید که:

فلمصری مالا امام الا الاعمال بالكتاب والقلم بالقسط والذین بذین الحق (شمشی از نامه امام به مردم کوفه) به جان خود نسم که زمامدار و حاکم بر جهاد